

### محمدرضا عسگری



**به بیان  
روز بزرگداشت  
حکیم ابوعلی سینا  
روز پزشک**

ساک دستی رنگارنگش عطر تمام گل‌ها و گیاهان دارویی کوهستان و دشت‌های مرتفع و ماهورهای کویر را با خود داشت؛ با چند تیغ و نخ و قیچی و دوا گلی، روسری سفیدش را مثل شهری‌ها می‌بست. پیراهن سبز گل‌دارش شبیه درخت‌های انار باغچه به موسم بهار بود. با تمام زن‌های آبادی فرق داشت. حرف زدنش، نشستوبرخاستش، حتی لبخندش کوتاه بود و عمیق. شهر گشته بود آخر، سوادش از کدخداهم بیشتر می‌شد. هر وقت می‌دیدمش احساس خوبی به سراغم می‌آمد. می‌دویدم تا خودم را به او برسانم و سلامش کنم. تا حالا حتی ننه هم به من نگفته بود عزیزم، پسر گلم. عصرهای تابستان کف حسینه با بچه‌ها گل کوچیک بازی می‌کردیم. شوت کردن رضا همیشه محکم بود. عجلانه خواستم توپ را بگیرم که ناگهان به زمین خوردم و فریادم میان دل آسمان پیچید. نمی‌توانستم حرکت کنم. زانوی پای راستم به شدت آسیب دیده بود و خونریزی می‌کرد. بچه‌ها دورم حلقه زده بودند و من از شدت درد جیغ می‌کشیدم. مشهدی محمد از باغ برمی‌گشت خدا خیرش بدهد مرا با هزار زحمت و بدبختی سوار الاغش کرد روی علف‌ها نشاند و تا مقابل در خانه رساند. مادرم به محض اینکه چشمش به لباس‌های خون‌آلودم افتاد محکم به سروصورتش زد و گفت: خدا مرگم بده. چی شده؟! علی! علی! بدو دنبال طبیب خانوم بچم رنگ به‌صورت نداره؛ و شروع کرد به دعا خواندن و کمک خواستن از خدا و پیر و پیغمبر، بالاخره مادرم با هزار زحمت مرا کشان‌کشان به اتاق برد. جلوی چشم سیاه می‌شد. احساس می‌کردم در حال بی‌هوش شدنم. طبیب خانوم که آمد صورتش را تاری می‌دیدم. قدرت حرف زدن نداشتم حتی صدایش را درست نمی‌شنیدم. پشانی‌ام را با دستان مهرپاشش لمس کرد. آب‌نباتی را گوشه دهانم گذاشت و گفت: پسر گلم! آروم باش... زخم پایم را شست‌وشو داد و بست. درد داشتم اما دیگر ناله نکردم نبود. کم کم دردم ساکت می‌شد. پلک‌هایم سنگین شده بود. چشم باز کردم دیدم نیمه‌شب است. از طبیب خانوم خبری نبود؛ تنها مادرم بود که با چشمانی خواب‌ویدار مرا در آغوش داشت.

### غزل سفالپیان



**روز تولدم  
قشنگ‌ترین روز  
خداست**

امروز یکی از بهترین روزهای خداست واسه من، بی‌نهایت خوشحالم. آخه از چند ماه پیش روزها رو دونه دونه روی تقویم کوچیک اتاقم خط می‌زدم تا به امروز برسم. امروز تولدمه و بهترین روز برای من و مامان لذت‌بخش‌تر از هر روزه، آخه مامانم من عاشق کیک و شمع خوشگل روشم، چون هر بار بزرگ‌تر شدن منو فریاد می‌زنه. دلم برای بادکنک‌های رنگارنگی که روی سقف خونمون برام می‌رقصه ضعف می‌بره. وای چه ذوقی داره کادوهای جورواجور و کوچیک و بزرگی که از اول جشن تولدم برام چشمک می‌زند که خدایی تحمل ندارم تا بعد از بریدن کیکم بازشون کنم و ببینم امسال کادوهای تولدم چه شکلیه؟ نگاه و عشق مامان و بابام برام لذت‌بخش‌تر از هر روزه، آخه مامانم می‌گه: تو! بهترین هدیه خدایی. تو! به زندگی ساکت ما شور و هیاهو و رنگ و روشنی دادی و عشق رو به خونه ما آوردی. منم مثل همیشه از حرفای مامان خوشحال میشم و سعی می‌کنم دختر خوبی باشم تا به هم افتخار کنن چون می‌دونم با خوب بودنم زندگی مامان و بابا رو زیباتر خواهد کرد.

### بکنا توانگر

### حَدیث سجادی‌منش



**معلم و شاگرد**  
آرش کلاس سوم بود؛ خوب درس نمی‌خواند و مرتب تجدید می‌آورد. او کلاس سوم را مردود شد؛ اما باز هم درس نمی‌خواند و برای بار دوم کلاس سوم را مردود شد. پدر و مادرش او را به مدرسه شبانه‌روزی فرستادند؛ اما باز هم درس نمی‌خواند تا اینکه روزی معلمی به نام احسان به سر کلاس آنها آمد و متوجه شد که آرش هوش بسیار عالی دارد و نقاشی‌های خوبی می‌کشد. معلم دلش برای آرش سوخت و از مدیر مدرسه خواهش کرد که به او خصوصی درس بدهد و مدیر پذیرفت. معلم خیلی تلاش کرد که آرش را به درس علاقه‌مند کند. یک ماه بعد در مدرسه مسابقه نقاشی برگزار شد و آرش در آن مسابقه مقام اول را کسب کرد و همین باعث شد که بفهمد هوش بسیاری دارد و اگر برای انجام کاری تلاش کند موفق می‌شود.

### محمدرضا آریایی



**دوستی پایدار**

دو درخت در جنگلی بزرگ کنار هم زندگی می‌کردند. آنها با هم دوست و هم صحبت بودند؛ همیشه با هم می‌گفتند و می‌خندیدند و در کنار هم شاد بودند. روزی از روزها در دو آمدند و روی آنها علامتی را که نشانه قطع کردن بود کشیدند و فردای آن روز درخت‌ها را قطع کردند. دو درخت که حالا از هم جدا شده بودند خیلی ناراحت بودند آنها را به کارخانه بردند و از چوبشان کاغذ درست کردند بعد از تبدیل شدن به کاغذ مدتی از هم جدا بودند تا اینکه هر دو را که کاغذ باطله شده بودند به کارخانه بازیافت بردند و با آنها و کاغذهای دیگر، کاغذدیواری بزرگ و زیبایی درست کردند و دو دوست برای همیشه در کنار یکدیگر نقش بر دیوار خانه زن و مرد جوانی شدند و دیوار را زیبا کردند و دوستی آنها ادامه پیدا کرد و پایدار ماند.

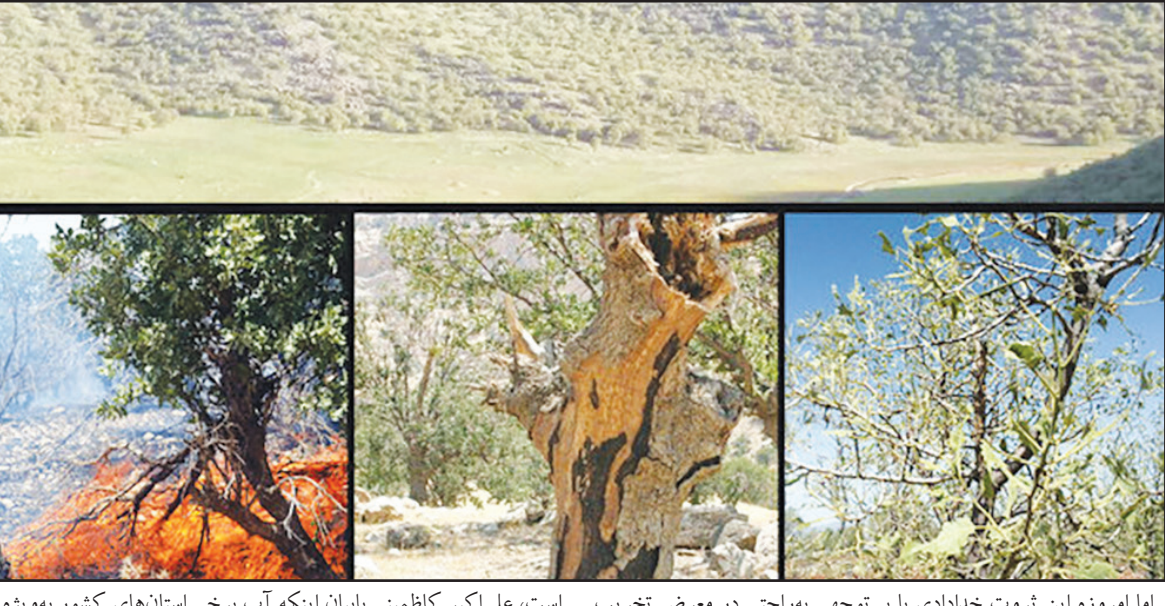
### دختر اسراف‌کار

مریم و لیلیا با هم دوست بودند. مریم موقع نوشتن و نقاشی کشیدن مدادهاش را زیاد می‌تراشید. یک روز لیلیا به او گفت: دوست من! این کارت اسرافه، چرا مداداتو این قدر می‌تراشی؟ اما مریم بی‌توجه به حرف لیلیا گفت: دوست دارم، مدادای خودمه. روز بعد مریم ساندویچش را نیمه خورده در سطل آشغال مدرسه انداخت. لیلیا ناراحت شد اما چیزی نگفت چون می‌دانست مریم به حرفش توجه نمی‌کند. یک روز خانم معلم گفت: بچه‌ها! می‌خوایم بریم اردو. بچه‌ها با سوار سرویس شدند. در راه بچه‌ها شعر می‌خواندند وقتی رسیدند خانم معلم گفت: بچه‌ها! یه فلاسک آب بیشتر نداریم، حواستون باشه اسراف نکنید. بچه‌ها مشغول بازی شدند. وسط بازی لیلیا تشنه‌اش شد، نفس‌نفس‌زنان به سراغ فلاسک آب رفت آمد؛ ولی آبی برای خوردن نبود چون دوستش مریم شیر فلاسک را باز گذاشته بود و تمام آب داخل آن به زمین ریخته بود. آن روز همه بچه‌ها تشنه ماندند به خاطر کار بدی که مریم انجام داده بود. حتی خود مریم هم تشنه ماند. خانم معلم بچه‌ها را دور هم جمع کرد و بدون اینکه اسم مریم را بیاورد گفت: دختری گلم! الان متوجه شدین که اسراف کردن کار خوبی نیست. پس از این به بعد به خودتون قول بدین که دیگه اسراف نکنید. مریم از کاری که کرده بود پشیمان شد و به خودش قول داد که دیگر اسراف نکند.



**منتظر داستان و اشعار شما هستیم**  
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.  
toloudaily@gmail.com  
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: محمدرضا عسگری

## بلوط‌ها خوب سهل‌انگاری را می‌خورند؛ آوردگاه آتش و بلوط در زاگرس جنگلهایی که خاطره می‌شوند



اما امروزه این ثروت خدادادی با بی‌توجهی به‌راحتی در معرض تخریب و نابودی قرار می‌گیرند. بر اساس اعلام کارشناسان این آتش‌سوزی‌ها اغلب منشأ انسانی داشته و نقش بسیار مهمی در زوال جنگل‌های زاگرس دارند. در سال جاری نیز تاکنون آتش‌سوزی‌های مختلفی در عرصه‌های منابع طبیعی استان فارس رخ داده که منجر به سوختن تعداد قابل‌توجهی از گونه‌های گیاهی شده است و در آخرین مورد در شهرستان فیروزآباد بخش قابل‌توجهی از درختان در آتش سوخت. در این میان یک فعال حوزه محیط‌زیست و رئیس انجمن زیست‌محیطی ۱۳ فروردین در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به اینکه ایران بر روی کمربند خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و جنگل‌های زاگرس نقش حیاتی و مهمی در کشور ایفا می‌کنند، گفت: ۴۰ درصد از آب کشور از طریق جنگل‌های زاگرس تأمین می‌شود، مهم‌ترین رودهای کشور از جمله رود کارون، قهرم، کرخه و ... از زاگرس تغذیه می‌کنند که این امر نشان‌دهنده اهمیت این جنگل‌هاست. با توجه به کوهستانی بودن استان فارس این جنگل‌ها در شیب کوه‌ها از فرسایش خاک جلوگیری می‌کنند و این مسئله بسیار حائز اهمیت

آتش و بلوط‌های زاگرس آوردگاه بزرگی را شکل داده‌اند؛ یک روز آتش کامیاب می‌شود و درختان را به خاکستر می‌نماند و گاهی هم بلوط‌ها، اما با هر حریق بخشی از تن‌پوش سبز زاگرس به خاطره‌ها می‌پیوندد. خبرگزاری مهر: ماجرای آتش و بلوط حکایت جدیدی نیست، از دیروزها تا امروز بلوطستان صحنه جدال بوده است، یک روز حرف زغالگیری است و روز دیگر تغییر کاربری، کشاورزانی به طمع زمین مُفت، جنگ به سرمايه زمین انداخته‌اند، یک روز با تیر و آره می‌برند، روز دیگر زغال می‌گیرند و این روزها آتش می‌زند. گاه دعوی دو روستا به بلوطستان کشیده می‌شود و برای خالی کردن دست هم از بضاعت چراگاه و مراتع خشکیده، آتش‌به‌جان جنگل می‌اندازند، حکایت «دیگی است که نمی‌خواهند برای هیچ کدامشان بجوشد» اما دعوی‌اشان هستی بلوطستان را می‌سوزاند و پس از کل مساحت استان فارس سطحی معادل ۲.۲ میلیون هکتار (۱۸ درصد سطح استان) را جنگل تشکیل می‌دهد. استان فارس دارای سه ناحیه رویشی زاگرس، ایران- تورانی و خلیجی- عمانی از پنج ناحیه رویشی کشور است که ۸۳۶ هزار هکتار از جنگل‌های آن واقع در ناحیه رویشی زاگرس، بالغ‌بر ۱.۲ میلیون هکتار در ناحیه رویشی ایران- تورانی و ۱۵۷ هزار هکتار از جنگل‌های استان در ناحیه رویشی خلیجی - عمانی واقع شده است. **آتش‌سوزی‌های گسترده در سطح جنگل‌های استان فارس** گونه‌های بلوط، بادام، ارس، شن، ارژن، جغجغک و شیر خشت ازجمله گونه‌های شاخص در منطقه زاگرس، بنه، بادام، زالزالک، تنگرس، ارژن و زبان‌گنجشک از گونه‌های بارز در منطقه ایران-تورانی و کنار، کهور ایرانی و استبرق از مهم‌ترین گونه‌های جنگلی موجود در ناحیه رویشی خلیجی- عمانی استان هستند. ۳۷ درصد از سطح جنگل‌های فارس را جنگل‌های زاگرس به خود اختصاص داده، این جنگل‌ها حائز کارکردها و ویژگی‌های قابل‌توجهی نظیر، کنترل آب‌های سطحی و تغذیه آب‌های زیرزمینی به گونه‌ای که میزان آب نفوذی برحسب نوع جنگل ۵۰۰ تا دو هزار مترمکعب در سال در هر هکتار برآورد می‌شود که این مقدار به‌مراتب بیشتر از اراضی غیر جنگلی است. طی چند سال گذشته شاهد آتش‌سوزی‌های گسترده در سطح استان فارس بودیم به گونه‌ای که در یک آتش‌سوزی که در جنگل‌های پاسارگاد اتفاق افتاد میزان قابل‌توجهی از پوشش گیاهی منطقه و حیات‌وحش از بین رفتند. در این آتش‌سوزی برخی از درختان که قدمت‌شان بیشتر از ۱۰۰ سال هم می‌شد از بین رفتند. در این سال‌ها همواره آتش‌سوزی‌های بسیاری در عرصه‌های جنگلی استان اتفاق افتاده است و مردم استان شاهد مرگ بلوط‌هایی بوده‌اند که ایستاده می‌میرند. جنگل‌ها در صورت استفاده بهینه، در رشد و توسعه نقش مؤثری دارند،

**آبمی ابلاغ وقت رسیدگی**  
بدین وسیله به آقای منوچهر محمودی فرزند علیرضا که در حال حاضر مجهول‌المکان می‌باشد ابلاغ می‌گردد نظر به اینکه وقت رسیدگی به پرونده شما دادر بر نگرهاری ۷ گرم هروئین روز یکشنبه مورخ ۹۷/۶/۱۱ ساعت ۹ صبح می‌باشد. لذا در وقت مقرر فوق جهت دفاع از اتهام انسانی در این دادگاه حاضر شوید. در صورت عدم حضور برابر قانون با شما برخورد خواهد شد. ۹۹۱۸/م الف ۷۶۰۱  
**مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه انقلاب شیراز**